

سخن سردبیر

در هفته‌ای که گذشت بیستمین همایش کنگره جهانی معدن (WMC) که از آن به عنوان «المپیک معدن» یاد می‌شود و یک سازمان علمی وابسته به سازمان ملل متحد است در تهران برگزار شد. گفته شده که دبیرخانه‌ی دائمی کمیته‌ی بین‌المللی سازمان‌دهی این کنگره در کشور لهستان است و از سال ۱۹۵۶ میلادی که این کمیته تشکیل شده همایش‌های آن هر پنج سال یکبار در کشوری برگزار می‌گردد.

این کنگره معمولاً با اهداف معینی تشکیل می‌گردد که از مهمترین آنها پیشبرد دانش و شناخت معدن و معدن‌کاری در سراسر دنیا است، که از این میان برای کشور برگزار کننده موقعیت ممتازی به وجود می‌آید تا به معرفی منابع معدنی‌اش همت گمارد. حال اگر برگزار کننده از جمله کشورهای پیشرفته جهان باشد، با استفاده از موقعیت به وجود آمده با ارائه آمار و ارقام خیره کننده، توسعه و پیشرفت معدن‌کاری و تولید مواد خام معدنی کشورش را به رخ دیگران می‌کشد و به اهداف از پیش طراحی شده یعنی بازاریابی فروش مواد معدنی که سودی سرشار دست می‌یابد و چندین برابر مخرجی که برای برگزاری کنگره صرف نموده به دست می‌آورد. ضمن آن که با ایجاد کار و بالا بردن سهم در تولید ناخالص ملی به اقتصاد کشورشان رونق می‌بخشند اما در کشورهای در حال توسعه، وضعیت فرق می‌کند. به این معنی که این گونه کشورها از موفقیت به دست آمده بایستی حداکثر بهره برداری را در راه شناسان توان بالقوه معدنی کشورشان بنمایند و زمینه‌های گسترده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های خارجی را فراهم آورند تا از این راه، هم بهره‌گیری بهینه از منابع و ذخایر معدنی‌شان حاصل گردد و هم تکنولوژی معدن‌کاری مدرن را وارد مملکتشان نمایند و این امر به شرطی امکان پذیر است که دانسته‌های لازم پایه‌ای معدنی از آن کشور در اختیار باشد.

و اما معدن و معدن‌کاری در کشور ما به دلایل مختلفی که جای بازگویی آنها در این نوشتار نمی‌باشد، در گام‌های نخست از این علم و فن می‌باشد. چرا؟ واقعیت این است که در آن زمان (۱۹۵۸) که این سازمان علمی یعنی کنگره جهانی معدن تاسیس شد، ما هنوز نمی‌دانستیم زمین‌شناسی و معدن چیست؟ ما حتی از یک معدن اطلاعات اولیه زمین‌شناسی معدنی در دست نداشتیم. سازمان زمین‌شناسی ما به شکل موجود در سال ۱۹۶۴ (۴۳-۱۳۴۲) تاسیس شد. در حالی که به جز مناطق نفت خیز حتی یک برگ نقشه از یک چهارگوش نداشتیم. اما طی این ۲۰-۴۰ سال پس از تاسیس سازمان به انبوهی از اطلاعات لازم و زیربنایی دست یافته‌ایم که می‌تواند پشتوانه بسیار کار سازی برای شروع کارهای سیستماتیک معدنی باشند.

با نگاهی گذرا به وضعیت بخش معدن و معدن‌کاری کشورمان می‌بینیم که سهم نسبی تولیدات مواد معدنی مان در جهان حدود یک درصد است و سهم معادن در تولید ناخالص ملی کشور حدود ۱/۵ درصد است که با توجه به ذخایر ۵۴ میلیارد تنی کشور سهمی بسیار ناچیز است. برای بالا بردن این سهم و یا به عبارتی افزایش تولیدات معدنی سرمایه‌گذاری‌های کلان، لازم است که با به کارگیری دانش مدرن معدن‌کاری همراه باشد و می‌دانیم که در این زمینه با کشورهای پیشرفته فاصله زیادی داریم.

به هر حال برگزاری بیستمین کنگره جهانی معدن و معدن‌کاری فرصت گرانبهایی برای ارتقاء علم معدن در کشور بود و دست اندرکاران معدنی اعم از دولتی یا بخش خصوصی بایستی حداکثر بهره‌گیری را در جهت شناساندن توان معدنی به شرکت کنندگان خارجی این همایش باشند تا انشاءالله با سرمایه‌گذاری‌های کلان، این بخش عظیم از سرمایه ملی از انزوا به در آید و مملکت از اتکاء به اقتصاد تک محصولی یعنی نفت نجات یابد.